

تقدیر نایب رئیس مجلس از خدمات رسانی هلال احمر به سیل زدگان

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار نوروزی با استاندار آذربایجان و جمعی از مدیران کل و پزشکان و اقشار مختلف مردم گفت: «از تمامی عزیزی که در هلال احمر و کمیته امداد در امر جمع آوری کمک های مردمی تلاش می کنند، تقدیر و تشکر می کنیم.» در این دیدار پزشکین، نماینده مردم تبریز، اسکو و آذرشهر در مجلس شورای اسلامی و نایب رئیس مجلس شورای اسلامی که ۱۷ فروردین در باشگاه کارکنان و اساتید دانشگاه علوم پزشکی تبریز برگزار شد، حاضران کمک های نقدی خود را بالغ بر ۲۵۰ میلیون ریال به حساب جمعیت هلال احمر واریز کردند. در حاشیه این مراسم پزشکین در مصاحبه با خبرنگاران اظهار کرد: «وقوع سیل فاجعه بسیار بزرگی ایجاد کرد و عزیزان ما در هلال احمر و کمیته امداد کمک های مردمی را جمع آوری می کنند، اما برای حل این مشکل سیل دیگری لازم است و آن سیل همت مردم است اگر مردم به صحنه بیایند.»

سنگ ها به سمت بالگرد سرازیر شدند، شیشه یکی از پنجره ها ترک برداشت، مهندس پرواز مجبور به برداشتن پله و بالگرد بلند شد

زمان تا سال ۸۴ در هوانیروز بودم و به عنوان یک نیروی نظامی پرواز می کردم تا این که با ۳۱ سال خدمت بازنشسته شدم، اما تا سال ۹۱ به عنوان خلبان شخصی و مشاور فرمانده هوانیروز پرواز می کردم. از سال ۹۱ در جمعیت هلال احمر هستم و واقعا تا به حال تجربه های ماندنی و انقباضی امروز در جمعیت هلال احمر نداشته ام. در زلزله کرمانشاه اتفاقاتی داشتیم، اما نه به این شدت.»

با وجود تمام اینها، حق را کاملا به مردم می دهد: «مردم حق دارند. سرمایه شان، خانه، زمین کشاورزی، گاو و گوسفند و هر چیزی که داشتند را از دست داده اند. در دشت و چادر زندگی کردن کار راحتی نیست.»

بالبخت می گوید فقط از بدی ها حرف نزنیم. خاطره خوش دیروز مان را بگویم: «روز گذشته برای بردن غذای گرم به برخی از روستاها رفته بودیم. غذا را توزیع کردیم و موقع برگشتن فقط ۶۵۰ لیتر سوخت داشتیم. مهندس پرواز به من گفت یکی از کسانی که سوار شده در حال گریه کردن است؛ زن و بچه اش در آب مانده بودند و آمده بود از ما بخواهد برای نجاتشان برویم. در شعبیه مانده بودند. به همکارم گفتم ما که بنزین داریم و تا فرودگاه اهواز هم ۱۰ دقیقه راه است. برای نجات خانواده این مرد برویم. همکارانم قبول کردند، برگشتیم و دیدیم حق با مردم بود؛ خانواده اش در آب مانده بودند و مادر بیرش حتی نمی توانست ایستاده راه برود. آنها را سوار کردیم، وزمانی که رسیدیم فقط یک باک ۱۰۰ لیتر بنزین داشتیم. خدمت به مردم وظیفه ماست. من ۳۷ سال برای ارتش خدمت کردم و الان چند سال است برای جمعیت هلال احمر خدمت می کنم؛ از این کار لذت می برم. پریروز در همین خوزستان ۶۱ ساله شدم و بهترین هدیه تولد برایم همین خدمت است. من از هر پرواز لذت می برم، اما شرایط هم خوب نیست. این بالگرد بالای ۱۰۰ میلیارد قیمت دارد. به دلیل تحریم حتی



گزارش خبرنگار اعزامی «شهروند» به خوزستان از حادثه ای که بالگرد جمعیت هلال احمر را زمین گیر کرد

نزن هموطن، این متعلق به خود شماست!

کاپیتان موسی پسندی: از مردم گلایه ندارم؛ ۳۷ سال در ارتش و الان در جمعیت هلال احمر خدمت می کنم

غذایی را با فاصله از جایی که مردم عصبانی بودند برای مردم گذاشتیم. هر بار تا جایی که توانستیم بالگرد را بلند کنیم و پرواز را به همکارم بسپارم. حالا هم احتمال این که شیشه شکسته کامل خرد شود، کم است اما قوانین هوانوردی می گوید بالگردی که صدمه دیده نباید بپرد؛ مخصوصا آسیب در شیشه چرا که با سرعت داخل باد می رویم و بهتر است شیشه تعویض شود.»

از سال ۱۳۵۵ تا به حال پرواز می کند: «از آن شکست و سنگ به گیجگاهم خورد؛ تنها توانستیم بالگرد را بلند کنیم و پرواز را به همکارم بسپارم. حالا هم احتمال این که شیشه شکسته کامل خرد شود، کم است اما قوانین هوانوردی می گوید بالگردی که صدمه دیده نباید بپرد؛ مخصوصا آسیب در شیشه چرا که با سرعت داخل باد می رویم و بهتر است شیشه تعویض شود.»

صدمه نزنند. جز کمک به مردم کار دیگری از دست ما ساخته نیست، اما از آنها هم خواهش می کنم اگر دلشان برای ایران و برای این مردم می سوزد از آسیب زدن به اموال بیت المال خودداری کنند.»

با حسرت از این حرف می زند که این بالگرد خوابید و حالا باید از تهران بیایند و شیشه را تعویض کنند: «بن بود بکشینه شب به شوش برویم، اما با این بالگرد دیگر امکان پرواز وجود ندارد.»

که دور شدیم، خلبانان و مهندس پرواز تصمیم گرفتند اقلام را هر طور که شده بین مردم تقسیم کنند، بالگرد بارها چرخید؛ نقاط خلوت را که پیدا می کرد، خیلی آرام تا نزدیک زمین رفت و اقلام را از دری که تا نیمه باز کرده بود، پایین می گذاشتیم و تا دوباره سنگ به دستها نزدیک می شدند، مجبور به پریدن می شدیم. در بیشتر از ۶ نقطه از دشت این کار را انجام دادیم تا اقلام تمام شدند و برای برداشتن نیروهایی که جا مانده بودند، به جای اول باز گشتیم. بالگرد نزدیک زمین شد و این بار سنگ ها فقط به ترک خوردن شیشه بستند نکرده؛ یکی از سنگ ها شیشه جلوی کابین

شمبرا زمانی | ایران از چند ساعت پیش از شروع سال جدید درگیر بحرانی به نام سیل شد، بحرانی که شهرهای زیادی را درگیر خودش کرد. اما در این بین گلستان، لرستان و خوزستان سه استانی بودند که بیشتر از دیگر استان های ایران تحت تاثیر این بحران قرار گرفتند و عملیات امداد رسانی توسط جمعیت هلال احمر و دیگر نهادها با تمام توان در آنها انجام شد. در این بین جمعیت هلال احمر نقطه قوتی به نام ناوگان هوایی داشت؛ بالگردهای جمعیت هلال احمر از روزهای نخست این رویداد طبیعی کارشان را در گلستان آغاز کردند. کار کشته ترین خلبانان جمعیت هلال احمر همراه با ۶ فروند بالگرد این نهاد هر روز چندین پرواز به آق قلا و کمیشان دو شهر سیل زده اصلی در گلستان داشتند و پس از آن که سیل در گلستان تا حد زیادی کنترل شد، نوبت به لرستان رسید؛ راه های ارتباطی در لرستان از بین رفته بودند و بالگردها امیدی برای کمک رساندن به مردم بودند. مردم خسته و کلافه از سیل و این که خانه و زندگی خود را از دست داده بودند، به امید دریافت کمک با پدین بالگردها به سمت آنها می دویدند و در این بین اتفاقاتی هم رخ داد. به گفته خلبانان، مهندس پرواز و امداد گران، عمده مردم بر خورد بدی نداشتند، اما همیشه در همه بحران ها کسانی هستند که باتیروهای امدادی همراه نمی شوند، یکی از آنها در لرستان به یکی از کمک خلبانان حمله کرد و سرش شکست. داستان در فضای مجازی پیچید و سروصدای زیادی به پا کرد. بسیاری به مردمی خسته و کلافه در آب و گل و سرما و در حالی که خانه و زندگیشان را از دست داده بودند، حق می دادند که حتی در این حد عصبانی شوند که با سنگ به امدادگران حمله کنند. امروز امدادوبار اتفاق تکرار شد. به عنوان یک خبرنگار در بالگردی که این اتفاق در آن افتاد، حضور داشتم و این گزارش تنها روایت یک حادثه است، نه چیزی بیشتر، نه چیزی کمتر.

داستان از این جا شروع شد؛ صبح روز ۱۸ فروردین ساه دهباز یکی از مناطق آسیب دیده در اطراف اهواز؛ سراغ امدادگران جمعیت هلال احمر آمد و درخواست اقلام غذایی خشک برای مردمی کرد که علاوه بر هندارها در دشت و کنار دام های باقیمانده خودشان اسکان دارند. دستور سریع داده شد و نزدیک به دو تن اقلام غذایی که شامل کنسرو، تن ماهی، آب معدنی و نان بود، در بالگرد عملیاتی جمعیت هلال احمر که در آشیانه خوزستان مستقر بود، بار زده شد و بالگرد به سمت منطقه پرواز کرد.

از دشت هایی می گذشتیم که پر بودند از زمین های کشاورزی زیر آب رفته و قایق هایی که در کنار رودخانه ها افتاده بودند. در نهایت به جایی رسیدیم که دشت بزرگی بود؛ بخش هایی از آن را آب گرفته بود و در جاهایی که آبی نبود یا کمتر بود، خانواده ها در چادرهای مسافرتی اسکان یافته بودند. افرادی که راضی نمی شوند در اردوگاه های اسکان اضطراری ساکن شوند در این روزها در خوزستان زیاد می بینیم و این کار دلایل متفاوتی دارد؛ شاید اصلی ترین دلیل این باشد که نمی خواهند از کنار همان تعداد اندک احشام که برایشان باقی مانده، تکان بخورند. برخی نیز می خواهند به خانه هایی که زیر آب رفته، نزدیک تر باشند و به محض این که بحران تمام شد، به خانه خود بازگردند.

در هر حال پس از رسیدن به منطقه، بالگرد در یکی از نقاط مرکزی دشت به سختی جای خشکی را پیدا کرد تا بتواند بنشیند. بخشدار و دو امدادگر پایین پریدند تا مردم را برای گرفتن اقلام آماده کنند. همه چیز تا این جا خوب پیش رفته بود، مردم منتظر بودند و بنا بود کار شروع شود. اما ناگهان چند جوان از دور به سمت جمعیت آمدند. دست های مشت کرده شان پر بود از سنگ هایی که برای استقبال از بالگرد جمعیت هلال احمر همراه آورده بودند. سنگ ها به سمت بالگرد سرازیر شدند، شیشه یکی از پنجره ها ترک برداشت، مهندس پرواز مجبور به برداشتن پله و بالگرد بلند شد. تعداد سنگ ها زیاد بود، اما زمانی که بالگرد بلند می شود، باد پاره های بزرگ آن دیگر اجازه رسیدن سنگ ها را نمی دهد.



اگر پول هم داشته باشیم به سختی می توانیم آن را بخریم. در نهایت بنامت به همین مردم خدمت کند؛ به همین دلیل تنها خواسته من این است که مردم به ما در جمعیت هلال احمر اعتماد کنند. ما هیچ هدف و خواسته ای جز خدمت و کمک به آنها نداریم.» در هر حال، این نخستین بار نیست و آخرین بار هم نخواهد بود که مردم آسیب دیده که به دلیل از دست دادن خانه و زندگی کلافه هستند و شرایط خود و عزیزانشان مناسب نیست، دست به اقداماتی از این دست می زنند. فقط کاش همه ما تلاش کنیم تا به مردم بیاموزیم در روزهای بحران کسانی که با تمام وجود و بدون هیچ منتی دست مردم را می گیرند، نیروهای امداد رسانی باشند شاید اگر همه ما این را بدانیم در روزهای بحران حال بهتری داشته باشیم.



بریده است. از بیست و پنجم اسفندماه سال گذشته تا ۵ فروردین هم کارشان امداد جاده ای در کرمانشاه بوده و از یازدهم در خوزستان مستقر است؛ می گوید: «شانزدهم به ارتفاعات دزفول رفتیم و چه جاهای صعب العبوری بود! نزدیک به ۱۰۰ کیسه آرد، ۲۰۰ کیلو برنج، ۳۰۰ کیلو نان، آب معدنی و کنسرو برای مردم بردیم. از آنجایی که همه جا گل است، پیدا کردن جای برای نشستن بالگرد کار بسیار سختی است. باید چند دور بچرخیم تا جایی برای نشستن پیدا کنیم.»

عصبانی نیست و بیشتر با حسرت ماجرا را تعریف می کند: «تا نشنستیم، فکر کردم مردم برای گرفتن اقلام غذایی آمده اند، اما دقت که کردم، دیدم می گویند بروید. سنگ و چوب را که در دستانشان دیدم و شیشه عقب ترک خورد، بالگرد را بلند کردم. با این حال، اقلام